

تربیت اراده

بقلم آقای میرزا عیسی خان صدیق

بی حالی و سستی که در اغلب افراد این مملکت مشاهده می‌شود مرا بارها در تفکر فرو برده و از خود سؤال نموده‌ام علت این رخوت و خمودگی و بی‌قیدی و لاابالی‌گری که مردم را با انحطاط سوق داده و بوادای هلاکت میکشاند چیست. در مقابل این برسش علل مختلف از قبیل آب و هوا - حکومت‌های مستبده - ارث - طرز تربیت و غیره در نظر مجسم گشته و در مقام تشخیص چاره بر آمده‌ام. پس از تفکر بسیار عقیده ام بر این شد که چنانچه در اصول تربیت اطفال خود تجدید نظر کنیم میتوانیم بدرجه محسوس این بی‌حرارتی و سستی را از بین خود محو کنیم و برای آتیه مملکت اشخاص فعال و جدی پرورش دهیم. تغییراتی که در اصول تربیت اطفال باید بدهیم. بیشتر مربوط باراده است. باین جهت میخواهیم در اینجا توجه اولیای اطفال و آموزگاران را باین موضوع مهم جلب کنیم. قبلا باید گفت اراده چیست.

تعریف اراده  
 ادراك در امری تصمیم میگیرد و آن تصمیم را شروع با اجرا مینماید. مثلا در موقع تعطیل نوروز بنظرم رسید برای رفع خستگی مسافرتی بکنم. با دوستانم مشورت کردم و جاهائی که ممکن بود بروم با یکدیگر سنجیدم - محسنات و مضرات هر يك را در پیش خود فکر کردم. بالاخره گیلان را انتخاب و گفتم میخواهم برشت بروم. این جمله «میخواهم» ناشی از اراده است ولی تا زمانی که عازم حرکت نشده ام البته اراده من کاملا کار نکرده است.

اگر از لحاظ معرفت‌النفس اراده ای که من کرده ام تجزیه کنیم می بینیم که عواطف و عقل من هم در آن دخیل بوده اند: شك نیست بین دلایلی که بر له و بر علیه امکانه مختلفه پیش خود تصور کرده ام

حظ ولذتی را که ممکن است از فلان نقطه بخصوص بیرم بشمار آورده‌ام یعنی حساسیت خود را مدخلیت داده ام. عقل من هم باین ترتیب دخالت داشته که دلایل را با یکدیگر سنجیده و مقایسه کرده و نتیجه را بمن اعلام داشته است. بنابراین عملی که اراده من کرده این بوده که تصمیمی گرفته و آنرا بموقع اجرا گذارده است

اهمیت اراده  
حال که تعریف اراده بر شما معلوم شد قدری از اهمیت آن برای شما صحبت بداریم. ولی اهمیت اراده باندازه‌ای

معلوم است که هر چه بگوئیم توضیح و اضحات مییابد. دو قسم اشخاص در جامعه ما وجود دارند که دل شما از کارهای آنها خون است. یکی اشخاصی که بدون تفکر فوراً دست با قدمی زده با یک حرارت فوق‌العاده شروع بکاری میکنند و بعد در وسط کار یا حرارت آنها فروکش کرده آن اقدامها را میکنند و یا بواسطه عدم تفکر مخطوراتی ایجاد میکنند که برای خود و مملکت هر دو مضر است. قسم دوم اشخاص هستند بی‌عرضه که یک جو تصمیم ندارند. در همه کار و همه وقت مردود برای یک امر کوچک جان آدمرا بلبش میاورند. این دو قسم اشخاص هیچیک دارای اراده نیستند و همه کس از آنها منزجر و در عذاب است آدم با عزم همه را از وجود خویش متمتع میکند. در نتیجه جدیت او خانواده اش راحت و در مهد نعمت مییابد. در مملکت خود در هر مقام که باشد خدمتی بجامعه میکند و در حقیقت یکی از عوامل ترقی بشمار میرود. بدون تردید تعالی هر مملکت بسته بکثرت اشخاص فعال آن مملکت است و بعکس هر مملکتی که افراد با اراده اش کم شد یقین بدانید که رو بانحطاط و تدنی میرود

اشخاص با اراده همه جا و همه وقت مورد ستایش اند.

نه مرور زمان از مقام آنها میکاهد و نه در ممالک بیگانه قدر

آنها پوشیده است تقریباً تمام ملل اروپا که در مقابل اراده ناپلیون

طوق رقیب بر گردن انداختند هم در موقعی که تسلط وی از رود نیمن تا رود تار مستقر بود او را می ستودند و هم اکنون که یکصد و ده سال از دوره فرمانفرمائی او میگذرد. سردار سیه را امروز و فردا دوست و دشمن همه ستانش نمیکنند و خواهند کرد.

بالعکس آیا شما يك جو احترام برای شاه سلطان حسین صفوی دارید؟

ازوم تربیت اراده بنا بر این می بیند که اهمیت اراده فوق العاده است.

بهین نسبت باید اهمیت تربیت اراده دهید. تا فردی

که شما بار میاورید نتواند بوسیله تصمیم و اراده از معلومات خود استفاده کند برای خود و مملکت يك پول سیاه ارزش ندارد. طفلی که شما بزرگ می کنید ممکن است هزار نیت نیکو داشته باشد ولی تا عزم نکند و بان نیات نیکو صورت خارجی ندهد وجود و عدمش یگسان است. باین جهت تمام درسهایی که در خانه و مدرسه به بچه میدهند اگر در او تولید تصمیم نکنند و او را باعزم و فعال نمایند بهیچوجه قیمت ندارند. کسانی را که میخواهید در صحنه زندگانی برای مبارزه رها کنید نباید تماشاچی باشند بلکه اشخاصی باید باشند دارای فکر - تصمیم و عمل. حال چطور میتوان اطفال را با اراده بار آورد؟

اراده در اطفال برای اینکه بشود جواب مقنعی باین سؤال داد باید

قبلاتشریح کرد اراده بچه کیفیت در اطفال موجود است:

چگونه با بزرگ شدن آنها اراده نمو میکند. بچه چندماهه دارای اراده نیست و فقط حرکتی از او ناشی میشود که لازمه شعور حیوانی است وقتی گرسنه است و پستان مادر را می بیند طبیعتاً وبدون اختیار بطرف آن متوجه میشود و میخواهد خود را بان برساند. در اینجا خواستن او از روی اراده نیست.

چیزی نمیگذرد که آثار اراده حتی در طفل شیر خوار ظاهر

میشود، همین که صابون و ابر را با تشت آب می بیند داد و فریادش

بلند میشود و نمیخواهد بگذارد او را بشویند . معذالك او را شست و شو میدهند . فغان و گریه اش گوش را کر میکند . میدانید بوسبیله شیون و زاری چه میگوید ؟ میگوید شما پر زور تر از من هستید و باین جهت بر من فائق شده اید ولی بر اراده من تسلط پیدا نکرده اید و گرچه بدن من آزاد نیست ولی اراده ام آزاد است و من برضد این زور اعتراض میکنم .

حقیقت امر اینست که نطفه اراده در طفل موجود است و طفل میخواهد آنرا نشان بدهد و ثابت بکند . چون بدون تجربه و بدون فکر است نمی تواند از روی دلیل تصمیم بگیرد . باین جهت باین طرف و آنطرف میزند و غالباً بی حوصله گی میکند و متغیر میشود . بین سن دو و سه اراده طفل، قوه ای است که میخواهد ابراز وجود بکند ولی هادی و راهنما ندارد .

این راهنما را عواطف و عقل از یکطرف و تربیت از طرف دیگر باو میدهند . سرمشق ها - نصیحت ها - تجربیات اولیه طفل - افکار بدوی اش همه ممد میشوند و اراده را با عقل موافقت میدهند بطوری که طفل رفته رفته با دلیل و فکر و تصمیم میگیرد . این تغییرات که بمرور زمان در اراده حاصل میشود در تمام اطفال بیک نحو نیست در بعضی ها سریعتر انجام میگیرد و در برخی آهسته تر و بنا بر این معلم نباید تصور کند که اطفال همسال داری اراده متساوی هستند و مسئولیت هائی بعهده آنها واگذار کند که از قوه قسمتی از آنها خارج باشد حال بینیم میشود بانتظار نشست تا در آکه طفل متدرجاً نمو کرده اراده او را رهبری کند یا باید رأساً اراده او را هدایت کرد . این مسئله را در شماره آینده خواهیم دید